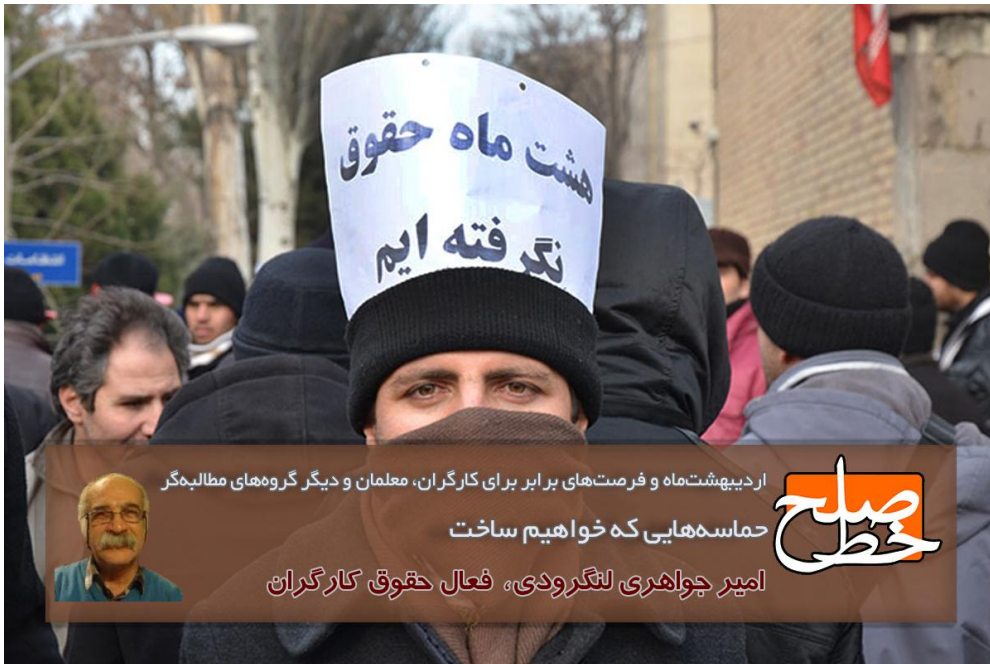


اردیبهشت‌ماه و فرصت‌های برابر برای کارگران، معلمان و دیگر گروه‌های مطالبه‌گر!

امیرجوهری لنگرودی



در شرایطی به ماه اردیبهشت وارد می‌شویم که بعد از تعطیلات نوروزی روز از پس روز دیگر موج وسیع اعتراضات و اعتصابات و تجمعات خیابانی دهان باز کرده و می‌رود که در آستانه‌ی یازدهم و دوازدهم اردیبهشت ۱۴۰۱، یعنی «روز جهانی کارگر» و «روز معلم» خیز پرشکوه‌تری بردارد. در این فاصله تحرکات و فعل‌وانفعالات چندی گزارش شده؛ از جمله:

- *- تجمع شماری از بازنشستگان صنعت نفت مقابل ساختمان صندوق‌های بازنشستگی در شهرهای شیراز، اراک، اهواز، تهران، کرج، اصفهان، آبادان، اردبیل، شاهین‌شهر، کرمانشاه و تبریز.
- *- تجمع شماری از کشاورزان اصفهان مقابل ساختمان استانداری اصفهان.
- *- تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات در تهران، اصفهان، اردبیل، رشت، سیرجان، سمنان و کرمانشاه.
- *- تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات تهران، ساختمان سردار جنگل.
- *- تجمع اولیای دانش‌آموزان مقابل اداره‌ی کل آموزش و پرورش فارس در اعتراض به برگزاری کلاسهای حضوری، بدون رعایت موارد بهداشتی در شرایط کرونایی.
- *- اعتراض کارگران پتروشیمی ایلام واقع در شهرستان چوار در اعتراض به نگرفتن عیدی و پاداش.
- *- تجمع کارگران کشت و صنعت لرستان در اعتراض به قرارداد با پیمان‌کار جدید.
- *- اعتصاب رانندگان کامیون در چند استان کشور، از جمله کرمانشاه، تهران، کرمان، لرستان و غیره.

- *- تجمع اعتراضی کارکنان شهرداری رشت در مقابل ساختمان استان‌داری گیلان.
- *- تجمع اعتراضی کارکنان اداره‌ی امور مالیاتی استان‌های مختلف کشور در اعتراض به برخورد تبعیض‌آمیز و پایین‌بودن حقوق و دست‌مزد.

در برابر این سلسله اعتراضات کارگران، معلمان و دیگر گروه‌های اجتماعی مانند زنان، دانشجویان و نویسندگان مطالبه‌گر همچنان به تحرکات خود در آستانه‌ی اردیبهشت‌ماه ادامه می‌دهند. باید بدون هر نوع شائبه‌ی ای افزود، رشد فزاینده‌ی تحرکات میدانی معلمان کشور را نمی‌توان به هیچ‌وجه یک‌سویه پنداشت. زنان معلم شاغل و بازنشستگان زن و مجموعه‌ی معلمان زن که در بلا تکلیفی محض به سر می‌برند، درون این جنبش اعتراضی جایگاه خاصی داشته و دارند؛ چرا که زنان حدود شصت درصد از بدنه‌ی معلمان را تشکیل می‌دهند و در برخی گروه‌های گوناگون عمدتاً معلمان، آموزش‌یاران نهضت سوادآموزی، مربیان پیش‌دبستانی، معلمان نیروهای رسمی و نیروهای غیررسمی، معلمان حق‌التدریسی، معلمان خرید خدمت، معلمان حق‌التدریس آزاد در تمامی سال گذشته و امسال در کنار پرستاران و بهیاران سراسر کشور اکثریت قاطع را دارند و یک پای ثابت اعتراضات سریالی خیابانی، حتی در شرایط سخت کرونایی حاکم بر گذران زندگی و کسب لقمه‌ی نان در برابر جان‌اند؛ بنابراین نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. از همین رو کنش‌گران جنبش معلمان به این نتیجه رسیده‌اند که بیش از پیش باید به مسائل معلمان زن، کنش‌گری آن‌ها و مسائل دختران دانش‌آموز توجه کنند. تبلور این نکته را می‌توان در انعکاس خواسته‌های معلمان زن و حضور مادی زنان در هشت مارس (روز جهانی زن) در جای‌جای کشور، چون گیلان، تهران و کردستان در میداين و پارکها و کوهپایه‌ها با حضورشان دید. اما لازم است این نکته به شکل روشنی مطرح شود که نه تنها پیش‌روی جنبش معلمان به حضور مؤثر و مشارکت واقعی کنش‌گران زن در همه‌ی عرصه‌ها، از تصمیم‌گیری تا اقدام جمعی نیاز دارد، بلکه برای داشتن یک نظام آموزشی برابر و عادلانه باید این حضور را به رسمیت شناخت و برای رفع موانع آن هم تلاش کرد و این امر باید در سلسله مطالبات همه‌ی گروه‌های اجتماعی در روز جهانی کارگر (یازدهم اردیبهشت) و روز معلم (دوازدهم اردیبهشت) جای ویژه‌ی بیابد.

نباید از یاد ببریم که در همین فاصله شاهد احضارها و به‌زندان‌بردن‌هایم؛ از جمله خانمها و آقایان: مریم اکبری منفرد، رضا خندان (مهابادی)، شهاب‌سلطانیان، چهار فعال حقوق ندای زنان ایران (ناهید شقاقی، اکرم نصیریان، مریم محمدی و اسرین درکاله)، محمد شریفی‌مقدم، مصطفی عبدی و عباس دهقان، در اویش گنابادی محبوس در زندان تهران بزرگ که ممنوع‌الملاقات شده‌اند و همچنین دادستانی لردگان که نه تن از فرهنگیان به نام‌های نادر شریفی، کوروش قنبری، زادعلی محمودی، محمد سعیدی ابواسحاقی، کوروش شریفی، حمید اسحاقی، محمد امیری، غلام‌حسین موسوی و علی بابامیر را به دادگاه فراخوانده و فعالان صنفی شناخته‌شده‌ی فرهنگیان رسول بداقی، حمید قندی، ژاله روحزاد، محمود بهشتی لنگرودی، محمود ملاکی، صلاح آزادی، هاله صفرزاده و همسرش علیرضا تقفی از این دسته‌اند. در آستانه‌ی روز جهانی کارگر نیز روز جمعه ۲۶ فروردین ۱۴۰۱ نیروهای لباس شخصی به منزل فعال کارگری، مرتضی صیدی رفتند و ضمن تفتیش منزل و ضبط لوازم شخصی‌اش او و امیر عباسی، دیگر فعال کارگری را بازداشت کردند. فهرست احضارهای معلمان پیش روی ماست که گویا همچنان ادامه دارد.

نگاهی به اعتراضات و خواسته‌ها و موج بازداشت و احکام صادره نشان می‌دهد که بخش‌های وسیعی از این اعتراضات حول وجوه مشترکی در مشابهت تنگاتنگ با هم تعریف میشوند. این اشتراکات پیرامون: تورم نقطه‌به‌نقطه و لزوم افزایش دست‌مزدها، دریافت حقوق‌های معوقه، نداشتن امنیت شغلی مزدگیران، نابرابری مزدی بین زنان و مردان در تمامی سطوح، مسئله‌ی بیمه درمانی در تمامی مشاغل، زندان‌بودن شمار زیادی از فعالان زن و مرد مطالبه‌گر و امر آزادی آنان، بیکارشدن و بازگشت به کار، موضوع همسان‌سازی و احضارهای بی‌رویه و غیره است.

هریک این مطالبات مشترک لولای هم‌پسته ایست که می‌تواند روز جهانی کارگر و روز معلم در یازدهم و دوازدهم اردیبهشت را به هم گره بزند. در این روز با اقدام مشترک می‌توان کارگران عظیم پیمانی نفت، گاز و پتروشیمی که برابر پیمان‌کاران بخش خصوصی اقدام به اعتراض و اعتصاب کرده‌اند، تحرکات سریالی بازنشستگان، هم‌نوایی با کشاورزان اصفهانی، مال‌باختگان، اعتراضات سراسری پرستاران و بهیاران، اعتراضات سریالی کارگران شهرداری‌های نقاط گوناگون کشور، اعتراضات کارگران فولاد، معدن‌کاران و اعتراضات روزنامه‌نگاران و خبرنگاران مستقل، وکلای مستقل، خیل عظیم معلولان جنگی، انبوه میلیونی روستاییان بدون زمین و آب، توده‌ی میلیونی بی‌خانمانان و حاشیه‌نشینان، انبوه پرشمار کولبران زحمت‌کش در خطه‌ی مرزی کردستان پهناور و سوخت‌بران زحمت‌کش در خطه‌ی مرزی سیستان و بلوچستان و ده‌ها حرکت اعتراضی دیگر در جای‌جای کشور را متحد سازد؛ مثلاً فرهنگیان و بازنشستگان و کارگران در بی‌اعتنایی حاکمیت نسبت به خواسته‌های انباشته‌شده‌ی فرهنگیان چون آزادی معلمان زندانی، لغو و باطل اعلام‌داشتن برگه‌های احضاریه‌های معلمان، ابطال همه‌ی احکام ضدانسانی برای معلمان زندانی و زنان و کارگران حول قانون رتبه‌بندی، قانون همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، استخدام رسمی نیروهای موقت، نهضت سوادآموزی، مربیان پیش‌دبستانی، معلمان خرید خدمات آموزشی، پاداش پایان خدمت بازنشستگان و همه و همه‌ی مطالباتی را که در سطوح مشترک تحرکات میدانی مطرح می‌شود، به این وسیله می‌توان هماهنگ و به شکل سازمان‌یافته از پرتوی کار گروه‌های مشترک برای روزهای پیش رو در اردیبهشت‌ماه برنامه‌ریزی کرد.

ما با روزهای سخت و پرتعبی در ماه‌های آینده روبرویم. گرانی و سختی معیشت زندگی آن‌چنان به دست‌وپای مردمان پیچیده و آنان را می‌لرزاند که صدای آن از جانب روزنامه‌های داخلی نیز شنیده می‌شود و تنها با سازمان‌دهی و سازمان‌یافتگی متشکل می‌توان بر مجموعه‌ی این نارسایی‌ها فائق آمد.

روزنامه‌ی خراسان درباره‌ی گرانی موجود چنین گزارش می‌کند: «...به عنوان مثال سیب‌زمینی بیش از هفتاد درصد، برنج ایرانی درجه‌ی یک بیش از شصت درصد، روغن مایع و مرغ بیش از پنجاه درصد، تخم‌مرغ در حدود پنجاه درصد، برنج خارجی بیش از چهل درصد و گوشت گوسفند حدود سی درصد در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۹۹ گرانتر شده‌اند» (۱) همچنین کرایه‌های مترو، اتوبوس و تاکسی از اول اردیبهشت بر اساس مصوبه‌ی شورای شهر تهران در سال جاری بیست و پنج درصد افزایش خواهد داشت. به گزارش تازه‌نیوز به دلیل سیاست‌های دولت رئیسی باید منتظر دلار چهل هزار تومانی بود.

فریال مستوفی، رئیس کمیسیون بازار پول و سرمایه در اتاق بازرگانی تهران گفته است: «در صورت احیای برجام اگر دولت پول‌های آزادشده را برای کاهش نرخ ارز به بازار وارد کند، این کاهش کوتاه‌مدت خواهد بود و به دلیل سیاست‌های اقتصادی دولت نرخ دلار به بین سی تا چهل هزار تومان خواهد رسید.» (۲) وقتی صحنه‌ی اعلام مهار تورم از ادعا تا واقعیت را از زبان رئیس جمهور، ابراهیم رئیسی دنبال می‌کنیم که گفته: «دولت ظرف هشت ماه توانسته جلوی سیل تورمی گذشته را بگیرد.» در حالی که در این مدت قیمت برنج بیست و هشت هزار تومان بود، حالا صد هزار تومان، گوشت صد و چهل هزار تومانی به دویست هزار تومان رسید، پراید صد و پانزده میلیون بود، حالا دویست میلیون تومان شده، دلار بیست و چهار هزار تومان بود، حالا بیست و هشت هزار تومان شده، مسکن بیش از بیست درصد افزایش قیمت پیدا کرد، اجاره‌ها تا هشتاد درصد بیش‌تر شد، اقلام خوراکی به طور متوسط پنجاه تا صد درصد گران‌تر شده. این پرسش مطرح می‌شود که رئیس دولت چگونه این تورم را مهار کرده؟

این‌ها نارسایی تمام‌عیار زندگی مردم جامعه‌ی ماست. تنها در صورت هم‌سویی، هم‌آیی، هم‌پوشانی و هم‌گرایی پیوسته‌ی جنبش‌های مطالباتی در تحرکات خیابانی و میدانی می‌توان بر آن فائق آمد و صدالبته در این راه‌یابی یگانه راه سازمان‌یابی و سازمان‌دهی متشکل و مستقل است. در این مبارزه فرهنگیان با

رجعت به مفاد قانونی میگویند: «اجرای اصل ۳۰ قانون اساسی، یعنی آموزش رایگان و باکیفیت برای فرزندان ایران زمین که مطالبه‌ی هشتاد میلیون ایرانی است.» تصریح آموزش رایگان در برابر کالایی‌کردن نظام آموزشی، مبارزه‌ی جنبش معلمان را با فرزندان گروه‌های رنج و کار جامعه و دیگر گروه‌های اجتماعی گره میزند.

قابل یادآوری‌ست که روز شنبه، ۲۷ فروردین ۱۴۰۱ رامین صفرنیا، وکیل رسول بدایق در توییتی اعلام کرد: «موکلش آقای رسول بدایق بابت اجتماع و تبنانی به چهار سال حبس و به اتهام فعالیت تبلیغی به یک سال حبس محکوم شده. رسول بدایق همچنین به منع خروج از کشور و منع اقامت در تهران و تمام استان‌های هم‌جوار به مدت دو سال محکوم شده.» این حکم و احکامی از این نوع که حکام شرع با تسبیه‌انداختن به سان هواسنج سیاسی برای راه‌یستن بر ادامه‌ی مبارزه‌ی معلمان و زنان و دانشجویان و بازنشستگان و کارگران می‌تراشند، راه به جایی نمی‌برد. باید به سردمداران اطمینان داد که این شیوه‌ی سرکوب در پاسخ به خواست توده‌ی مردم، به ویژه فرهنگیان در هیچ دوره‌ای از تاریخ مشکل‌گشا نبوده. نباید منتظر بمانیم تا زندگی سپیده‌قلیان، زینب جلالیان، اسماعیل گرامی، هاشم خواستار، اسماعیل عبدی، علیرضا ثقفی و دیگرانی ... که در زندان جان و سلامتی‌شان در خطر است و عمر با ارزششان در دست حکومت گروگان گرفته شده، به سرنوشت شاهرخ زمانیها، محمد جراحیها و بکتاش آبتین‌ها و مهدی صالحی بدل شود. این بی‌توجهی‌ها همواره در سطح جامعه و افکار عمومی جهان نتیجه‌ی معکوس داده. حکومت نخواهند توانست جنبش فرهنگیان را که ریشه در اراده‌ی آگاهانه و آمیخته به دلیری یک میلیون و هشتصد و پنجاه هزار فرهنگی شاغل و بازنشسته داشته و دارد، در دل جنگ نابرابر اکثریت خاموش توده‌ی فقیر به‌پاخاسته برای زمان طولانی با سرکوب بخشکاند. صدای به‌پاخاستگان ساکت‌شدنی نیست. فعالیت عمومی در هم‌صدایی حول مسائل مشترک می‌تواند این‌گونه احکام را پاره کند و صف مشترک شعار آزادی معلم زندانی و آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی را در کنار باطل اعلام‌داشتن برگ‌های احضار و باطل اعلام‌کردن احکام ضدانسانی صادرشده در دل بی‌شمار مطالبه‌ی بی‌پاسخ‌مانده را همچنان در دستور کار خود قرار دهد.

این مجموعه تحرکات تنها و تنها با هم‌فکری و سازمان‌یابی لازم و ضروری امکان متحقق‌شدن و فعلیت‌یافتن دارد. به امید آن‌که امسال شاید فعالیت‌های هم‌سو و متشکل در طرح و بیان مطالبات و اعتراضات گروه‌های گوناگون زحمت‌کشان در جامعه باشیم.

پانوشته‌ها:

- ۱- تورم کم‌درآمدها در ۱۴۰۰ بیش‌تر از ثروتمندان، روزنامه‌ی خراسان، ۲۴ فروردین‌ماه ۱۴۰۱.
- ۲- با سیاست‌های دولت رئیسی منتظر دلار ۴۰ هزار تومانی باشید، تازه‌نیوز، ۱۰ فروردین‌ماه ۱۴۰۱.

مقاله برگرفته از : مجله ماهنامه خط صلح

<https://www.peace-mark.org/132-5>